

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: فلسفه و اخلاق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه دین

عنوان:

بررسی تطبیقی جایگاه تعقل در دینداری از منظر آیات و روایات عامه و خاصه

استاد راهنما:

دکتر علی شیروانی

استاد مشاور:

دکتر ناصر رفیعی محمدی

نگارش:

مهدی شجریان

بهمن 1394

تقدیم به:

عقل مجسم، نبی خاتم، پیامبر اعظم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

تقدیر

خدای سبحان را بر همه نعمت هایش و خاصه بر توفیقی که در انجام این تحقیق عنایت نمود شاگردم.

از تمام اساتیدی که بر این کمترین منت گذاشته، بار تعلیم و تربیتیم را به دوش کشیدند؛ مخصوصا از اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر شیروانی که رنج راهنمایی این اثر را متحمل شدند و جناب آقای دکتر رفیعی که زحمت مشاوره آن را متقبل گردیدند، خاضعانه قدردانی می کنم.

از همسر عزیزم که با وفاداری و صبوری بار تربیت فرزندان را به دوش کشید و محیط آرامی را برای به ثمر نشستن این اثر مهیا ساخت نیز صمیمانه قدردانم.

امید است با لطف مضاعفی از جانب حق، در قبال همه این الطاف لایق باشم.

چکیده

«تعقل» - که در لغت به عنوان «نیروی درونی شناسنده مصالح از مفسد و بازدارنده نفس از وقوع در مهالک» شناخته می شود - جایگاه ممتازی در متون دینی داشته، در بسیاری از موارد با «دینداری» پیوند خورده است. دینداری حقیقتی است که مستقل از انسان نبوده، بلکه در وجود او ظاهر می شود و صرف نظر از ظهوری که در حوزه «اعتقادات» پیدا می کند، گاهی در «عواطف» انسان ظهور می یابد، هنگامی در «رفتارهای» وی آشکار می شود و بالاخره گاهی در «اخلاق» او نمایان می گردد. تحقیق پیش رو با روش تحلیلی - توصیفی، به تشریح رابطه این دو حقیقت از منظر آیات قرآن و روایات فریقین، و مقایسه تطبیقی آن دو می پردازد؛ در گام نخست به «تعقل» نظر افکنده، بدون لحاظ معانی اصطلاحی آن و با تحفظ بر معنای لغوی، با روشی نوین جایگاه این حقیقت را در متون دینی تبیین می نماید. سپس به «دینداری» نظر افکنده، بدون لحاظ آن در حوزه «اعتقادات» بلکه با نظر داشتن به تجلیات آن در «عواطف و رفتارها و خلیات» انسان، به تشریح مولفه های آن می پردازد. در گام بعد این دو نظر گاه را به یکدیگر عرضه نموده، نحوه رابطه آنها را تشریح می نماید و در آخرین گام نحوه تشریح این رابطه را از منظر آیات قرآن و روایات فریقین به مقایسه می گذارد.

این تحقیق بر این باور است که قرآن و روایات فریقین در این مقام تقابلی نداشته، پیام آنها به صورت کلی بر یکدیگر منطبق است و تمام آنها دینداری مطلوب را منحصر در «دینداری خردورزانه» می دانند که در آن لازم است «عواطف، رفتارها و خلیات» دیندار، تماما از نظام خردورزی نشأت گیرند. در همین راستا راهکار عملی برای وصول به «دینداری خردورزانه» نیز از قرآن و روایات فریقین استخراج گردیده، تشریح شده و مقایسه می شود.

واژگان کلیدی: تعقل، دینداری، ایمان، مکارم اخلاق، تقوا

- 14..... **فصل اول: کلیات و مفاهیم**
- 14..... گفتار اول: کلیات
- 14..... 1- بیان مساله
- 15..... 2- اهمیت مساله
- 17..... 3- اهداف مساله
- 18..... 4- پیشینه تحقیق
- 20..... 5- سوالات اصلی و فرعی تحقیق
- 21..... گفتار دوم: مفاهیم
- 21..... 1- تبیین واژه تعقل
- 21..... 1-1- معنای لغوی عقل
- 22..... 1-2- واژه های همسو با عقل
- 23..... 1-2-1- لبّ
- 23..... 1-2-2- قلب
- 24..... 1-2-3- فکر
- 24..... 1-2-4- تدبّر
- 25..... 1-3- معنای عقل در اصطلاح فلسفه
- 25..... 1-3-1- عقل، مستقل از انسان و یا قوه ای از قوای او
- 26..... 1-3-2- عقل عملی و نظری
- 27..... 1-4- مراد از عقل در این تحقیق

2- تبیین واژه دینداری 28

2-1- دین در لغت 28

2-2- تمایز بین دین و دین داری 30

2-3- اطلاعات دینداری 31

2-4- مراد از دینداری در این تحقیق 33

فصل دوم: جایگاه تعقل در قرآن کریم و روایات فریقین Error! Bookmark not

defined.

گفتار اول: جایگاه تعقل در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

1- فاعل تعقل در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

1-1- تعقل، وصف انسان در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

1-2- تعقل، امری اختیاری Error! Bookmark not defined.

2- ماده تعقل در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

2-1- عامل اول: محتوای وحی Error! Bookmark not defined.

2-2- عامل دوم: توجه به آیات الهی Error! Bookmark not defined.

2-3- عامل سوم: علم و آگاهی Error! Bookmark not defined.

2-4- عامل چهارم: توجه به عواقب امور Error! Bookmark not defined.

3- صورت تعقل در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

3-1- ظهور اوصاف عاقل در «صورت تعقل» Error! Bookmark not defined.

3-2- ویژگی های ایجابی عاقلان Error! Bookmark not defined.

3-2-1- مناسبت لغوی دو واژه «تعقل» و «تقوا» Error! Bookmark not defined.

- 2-2-3- همنشینی آیات عقل با «تقوا».....**Error! Bookmark not defined.**
- 3-2-3- انطباق جزئیات اوصاف خردمندان بر «تقوا».....**Error! Bookmark not defined.**
- 3-3- ویژگی های سلبی عاقلان**Error! Bookmark not defined.**
- 4- غایت تعقل در قرآن کریم.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1-4- غایت تعقل، سعادت حقیقی در سرای آخرت**Error! Bookmark not defined.**
- 2-4- وحدت غایت تعقل و غایت تقوا.....**Error! Bookmark not defined.**
- 5- نتیجه گیری**Error! Bookmark not defined.**
- گفتار دوم: جایگاه تعقل در روایات امامیه**Error! Bookmark not defined.**
- 1- فاعل تعقل در روایات شیعه**Error! Bookmark not defined.**
- 1-1- انسانیت انسان در گرو تعقل**Error! Bookmark not defined.**
- 2-1- رفع تعارض بین دو دسته از روایات**Error! Bookmark not defined.**
- 2- ماده تعقل در روایات شیعه**Error! Bookmark not defined.**
- 1-2- عامل اول: محتوای وحی**Error! Bookmark not defined.**
- 2-2- عامل دوم: توجه به آیات الهی**Error! Bookmark not defined.**
- 3-2- عامل سوم: علم و آگاهی**Error! Bookmark not defined.**
- 4-2- عامل چهارم: توجه به عواقب امور**Error! Bookmark not defined.**
- 3- صورت تعقل در روایات شیعه**Error! Bookmark not defined.**
- 1-3- ویژگی های ایجابی عاقلان در روایات شیعه**Error! Bookmark not defined.**
- 1-1-3- اوصاف معرفتی**Error! Bookmark not defined.**

2-1-3- اوصاف رفتاری.....**Error! Bookmark not defined.**

3-1-3- اوصاف اخلاقی.....**Error! Bookmark not defined.**

1-3-1- تفاوت «مکارم اخلاق» و «محاسن اعمال».....**Error! Bookmark not defined.**

2-3-1-3- برخی از مکارم اخلاق عاقل در روایات امامیه.....**Error! Bookmark not defined.**

3-3-1-3- تقوا ریشه ای ترین کرامت اخلاقی عاقل.....**Error! Bookmark not defined.**

2-3- ویژگی های سلبی عاقلان در روایات شیعه.....**Error! Bookmark not defined.**

1-3-2- موانع تعقل.....**Error! Bookmark not defined.**

2-3-2- ویژگی های جاهلان.....**Error! Bookmark not defined.**

1-3-2-2- تقابل عقل و جهل.....**Error! Bookmark not defined.**

2-3-2-2- برخی از ویژگی های جاهلان.....**Error! Bookmark not defined.**

4- غایت تعقل در روایات شیعه.....**Error! Bookmark not defined.**

1-4- نجات در دنیا.....**Error! Bookmark not defined.**

2-4- سعادت در آخرت.....**Error! Bookmark not defined.**

3-4- مراتب سعادت اخروی مترتب بر مراتب بهرمندی از عقل.....**Error! Bookmark not**

defined.

4-4- سعادت اخروی، تجسم حیات عاقلانه دنیوی.....**Error! Bookmark not defined.**

5- نتیجه گیری.....**Error! Bookmark not defined.**

گفتار سوم: جایگاه تعقل در روایات اهل سنت.....**Error! Bookmark not defined.**

1- فاعل تعقل در روایات اهل سنت.....**Error! Bookmark not defined.**

2- ماده تعقل در روایات اهل سنت.....**Error! Bookmark not defined.**

3- صورت تعقل در روایات اهل سنت Error! Bookmark not defined.

4- غایت تعقل در روایات اهل سنت Error! Bookmark not defined.

4-1- رستگاری، سرانجام زندگانی عاقلانه Error! Bookmark not defined.

4-2- بهرمندی از عقل ملاک برتری در قیامت Error! Bookmark not defined.

5- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.

فصل سوم: جایگاه دینداری در قرآن کریم و روایات فریقین

defined.

گفتار اول: جایگاه دینداری در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

1- خروج برخی از آیات مربوط به دین از گستره تحقیق Error! Bookmark not defined.

2- دینداری مطلوب و نامطلوب Error! Bookmark not defined.

3- تقارب معنایی «دینداری» و «ایمان» Error! Bookmark not defined.

4- مهمترین مولفه های دینداری در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

4-1- مولفه های مربوط به حوزه «احساسات و عواطف» Error! Bookmark not defined.

4-1- مولفه های مربوط به حوزه «رفتار و اخلاق» Error! Bookmark not defined.

4-1-1- محاسن اعمال دین دار در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

4-1-2- مکارم اخلاق دین دار در قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

5- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.

گفتار دوم: جایگاه دینداری در روایات شیعه Error! Bookmark not defined.

1- بررسی واژه های کلیدی Error! Bookmark not defined.

2- مولفه های دینداری در حوزه «عواطف و احساسات» Error! Bookmark not defined.

1-2- «محبت»، گوهر دین و دینداری Error! Bookmark not defined.

2-2- متعلقات محبت دیندارانه در روایات شیعه Error! Bookmark not defined.

3- مولفه های دینداری در حوزه «رفتار و خلیات» Error! Bookmark not defined.

1-3- مولفه های مربوط به حوزه رفتار و عملکرد Error! Bookmark not defined.

2-3- مولفه های مربوط به حوزه خلیات Error! Bookmark not defined.

4- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.

گفتار سوم: جایگاه دینداری در روایات اهل سنت Error! Bookmark not defined.

1- بررسی واژه های کلیدی Error! Bookmark not defined.

2- مولفه های دینداری در حوزه «عواطف و احساسات» Error! Bookmark not defined.

3- مولفه های دینداری در حوزه «رفتار و خلیات» Error! Bookmark not defined.

1-3- مولفه های مربوط به حوزه رفتار و عملکرد Error! Bookmark not defined.

2-3- مولفه های مربوط به حوزه خلیات Error! Bookmark not defined.

4- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.

فصل چهارم: جایگاه تعقل در دینداری از منظر متون دینی . Error! Bookmark not

defined.

گفتار اول: جایگاه تعقل در دینداری از منظر قرآن کریم Error! Bookmark not defined.

1- وحدت صورت تعقل با مولفه های دینداری در قرآن کریم Error! Bookmark not

defined.

1-1- پیوند عمیق مولفه های دینداری با تعقل در قرآن کریم Error! Bookmark not

defined.

- 2-1- «دینداری خردورزانه» رهیافت قرآن کریم به دینداری مطلوب **Error! Bookmark not defined.**
- 2- شکوفائی دینداری مطلوب با مواد تعقل.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2-1- نقش موثر عوامل چهارگانه در شکل گیری «دینداری خردورزانه». **Error! Bookmark not defined.**
- 2-2- نقش موثر عامل «توجه به آیات الهی».....**Error! Bookmark not defined.**
- 2-2-1- کیفیت تعقل در آیات تکوینی.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2-2-2- کیفیت تعقل در آیات تشریحی.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2-3- نقش موثر عامل «توجه به عواقب امور».....**Error! Bookmark not defined.**
- 3- ارائه الگوی قرآنی برای شکل گیری «دینداری خردورزانه» **Error! Bookmark not defined.**
- 4- وحدت غایت تعقل و غایت دینداری.....**Error! Bookmark not defined.**
- 5- نتیجه گیری.....**Error! Bookmark not defined.**
- گفتار دوم: جایگاه تعقل در دینداری از منظر روایات شیعه...**Error! Bookmark not defined.**
- 1- وحدت صورت تعقل با مولفه های دینداری در روایات شیعه..... **Error! Bookmark not defined.**
- 2- شکوفائی دینداری مطلوب با مواد تعقل.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2-1- بسط محتوای وحی به «سنت معصومین» با توجه به روایت علی علیه السلام.. **Error! Bookmark not defined.**
- 2-2- توضیح روایت امام صادق در خصوص کیفیت تعقل....**Error! Bookmark not defined.**
- 2-3- نیازمندی طرفینی «عقل» و «دانش».....**Error! Bookmark not defined.**

4-2- دو جلوه «عاقبت اندیشی» در روایات شیعه Error! Bookmark not defined.

3- ارائه الگوی روایات شیعه در دستیابی به «دینداری خردورزانه» ... Error! Bookmark not

defined.

1-3- قالب اول: ترویج عوامل چهارگانه Error! Bookmark not defined.

2-3- قالب دوم: مراحل تدریجی شکل گیری اوصاف «دینداری خردورزانه» در

روایات شیعه Error! Bookmark not defined.

1-3-2- مرحله اول: ضرورت تحصیل «اوصاف معرفتی» Error! Bookmark not defined.

2-3-2- مرحله دوم: ضرورت عمل به «طاعت الهی» Error! Bookmark not defined.

3-3-2- مرحله سوم: شکل گیری تدریجی «مکارم اخلاق» Error! Bookmark not defined.

4- وحدت غایت تعقل و دینداری Error! Bookmark not defined.

1-4- عدم ضرورت یقین به تحقق غایت دینداری Error! Bookmark not defined.

5- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.

گفتار سوم: جایگاه تعقل در دینداری از منظر روایات اهل سنت Error! Bookmark not

defined.

1- وحدت صورت تعقل با مولفه های دینداری در روایات اهل سنت Error! Bookmark not

defined.

2- محدودیت مواد تعقل در روایات اهل سنت Error! Bookmark not defined.

3- ارائه الگوی روایات اهل سنت در دستیابی به «دینداری خردورزانه» ... Error! Bookmark

not defined.

4- وحدت غایت تعقل و دینداری Error! Bookmark not defined.

5- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.

گفتار چهارم: مقایسه تطبیقی جایگاه تعقل در دینداری از منظر فریقین . **Error! Bookmark**

not defined.

1- اصول قرآنی جایگاه تعقل در دینداری **Error! Bookmark not defined.**

2- وجوه مشابهت بین روایات فریقین در مساله «جایگاه تعقل در دینداری» **Error!**

Bookmark not defined.

3. وجوه تمایز بین روایات فریقین در مساله «جایگاه تعقل در دینداری» **Error! Bookmark**

not defined.

Error! Bookmark not defined. **فهرست منابع**

1- منابع فارسی **Error! Bookmark not defined.**

2- منابع عربی **Error! Bookmark not defined.**

3- مقالات **Error! Bookmark not defined.**

فصل اول: کلیات و مفاهیم

گفتار اول: کلیات

در این فصل با تشریح کلیاتی در خصوص تحقیق پیش رو و نیز تبیین مفاهیم کلیدی به کار رفته در آن دورنمای کلی از تحقیق ارائه شده و راهبرد آن را ترسیم می نمائیم.

1- بیان مساله

در بررسی نسبت میان دین و عقل (تعقل) در یک رویکرد می توان از دو نسبت سخن به میان آورد: 1- نسبت میان تعقل و فهم دین؛ 2- نسبت میان تعقل و تدین. در نسبت اول این نکته مورد بررسی است که ارتباط عقل با فهم دین و درک محتوای آن (به عنوان حقیقتی که از علم و اراده ازلی خدای سبحان نشأت گرفته و برای هدایت و سعادت بشر توسط انبیاء فرورستاده شده است) چیست؟ آیا عقل در این حوزه هیچ نقشی ندارد و باید مطلقاً سکوت نموده، خود را متهم به ناهمی کرده، مهار خویش را به دست ایمان سپارد و آنجا برود که ایمان او را ببرد و اساساً «ایمان بیاورد تا بفهمد؟»¹ یا اینکه عقل و نقل دو یار جدایی ناپذیرند و هر دو کاشف از محتوای دین بوده، دوش به دوش یکدیگر انسان را از ابتدایی ترین مراحل فهم دین تا عمیق ترین مراتب آن یاری و راهنمایی می نمایند؟²

¹ ر.ک: اتین ژیلسون، عقل و وحی در قرون وسطی، شهرام پازوکی، اول، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1373، ص 10.

² عبد الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چهارم، قم، اسراء، 1389، ص 62.

در نسبت دوم اما، رابطه تعقل و دین ورزی دین داران (به عنوان واقعیتی که در زندگی فردی و اجتماعی افراد متدین در عواطف و احساسات ایشان و در رفتارها و خلیات آنان ظهور پیدا می کند و حیات دینی آنها را می سازد) مورد بحث است که چه نسبتی بین این هر دو وجود دارد؟ آیا در مقام ظهور دین در عواطف و احساسات آدمی و در حب و بغض های او، عقل نقشی دارد؟ و آیا در شکل گیری رفتارها و خلیات انسان که آنها را دینی محسوب می نماید عقل جایگاهی دارد؟ آیا بین تعقل و تدین، تضاد و تناقض است یا تأیید و همسویی؟ یا ...

تحقیق حاضر نسبت ایجابی عقل و دین در گام نخست را کما بیش پذیرفته، نسبت دوم را موضوع بحث خود قرار داده، تلاش می کند رابطه بین تعقل و تدین را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. گفتنی است تمرکز این تحقیق بر پاسخ به سوالهای فوق از سه منظر قرآن و روایات فریقین و سپس مقایسه این سه منظر با یکدیگر در ضمن رویکردی «تطبیقی» است. بنابراین مسائل دیگری نیز در این تحقیق خودنمایی می کنند؛ آیا نسبت بیان شده بین تعقل و دینداری در روایات شیعه همسوئی با روایات اهل سنت دارد و یا اینکه رابطه این دو تضاد و تناقض است؟ و بالاخره آیا پاسخ روایات شیعه به این پرسش ها مشابه پاسخ روایات اهل سنت است و یا اینکه این دو حوزه از یکدیگر فاصله دارند؟

2- اهمیت مساله

یکم. بدون شک عقل، ابزاری کار آمد برای بشر است تا جایی که آن را مایز و فارق حیوان و انسان دانسته اند. از طرفی مساله «دینداری» و تجلی حقیقت دین در عواطف انسانی و رفتارها و خلیات او خصوصاً از منظر جامعه شناختی و روانشناختی مساله بسیار مهمی است. حال که طرفین مساله این تحقیق از اهمیت فوق العاده ای برخوردارند در نتیجه بحث از نسبت بین آن دو نیز از جایگاه مورد توجهی بهره مند می گردد. به همین جهت لازم است در تحقیقی مناسب نسبت ابزار کارآمد «عقل» را با موضوع مهم «دینداری» تبیین نماییم.

دوم. در نسبت نخست پیش گفته یعنی نسبت بین «عقل و فهم دین» اهمیت بحث مسلم است اما در عین حال نتیجه بحث تنها به کار خواسی می آید که در صدد فهم دین هستند؛ این در حالی است که در نسبت مورد سوال این تحقیق یعنی نسبت میان «عقل و دینداری» تمام دینداران

مخاطب بوده نتیجه این بحث برای تمام ایشان کار آمد خواهد بود؛ چرا که مساله «دینداری» و تلبس و عمل به دین فراگیر و همگانی و به منزله «واجب عینی» است اما مساله «دین فهمی» و تفقه در دین تنها بر خواص لازم است و در حقیقت «واجب کفائی» است.¹ بنابراین در «ضرورت اجتماعی» این بحث و نیاز تک تک متدینان به آن تردیدی باقی نمی ماند.

سوم. امروزه افراد به ظاهر متدین فروانی پیدا می شوند که هر چند ظواهر دین را با دقت هر چه بیشتر مراعات می نمایند لکن در عرصه دینداری عملاً از تعقل بی بهره اند و حتی احیاناً موضع منفی در قبال آن دارند. صرف نظر از برخی متدینان که در کنار ما زندگی می کنند نمونه بسیار واضح این افراد را می توان در بین وهابیت و سلفیت معاصر و نیز گروهک های تروریستی مختلف - که یکی از بزرگترین معضلات کنونی دنیای اسلام هستند - مشاهده نمود. کما اینکه در ابتدای تاریخ اسلام خوارج در این دسته افراد قرار داشته اند. این تحقیق پیش فرض ای بسا نانوخته این دسته از افراد را به چالش کشیده، به تبیین نابسامانی آن و نقد «بیگانگی دینداری و تعقل» و در حقیقت نفی «دینداری خردستیزانه» و اثبات «دینداری خردورزانه» می پردازد. بنابراین نقد «تدین خردستیزانه» نکته دیگری است که بر اهمیت این تحقیق می افزاید.

چهارم. با توجه به رویکرد تطبیقی تحقیق، نتیجه آن - هر چه که باشد - بر اهمیت بحث می افزاید؛ اگر در نهایت - در مقام پاسخ به سوالات این تحقیق - برتری نظام فکری «مکتب اهل بیت» بر «مکتب خلفا» و ناهمسویی و واگرایی این دو نظام ثابت شود، اثر تحقیق دفاع از «معارف اهل بیت» خواهد بود و اگر در نهایت همسوئی و همگرایی این دو نظام به اثبات رسد، گام موثری در ایجاد «تقریب بین مذاهب» تلقی خواهد شد. علاوه بر اینکه در این صورت است که می توان از نتایج آن به عنوان حقیقتی مسلم و اجماعی در قبال جریانات پیش گفته که مسیر جدایی دینداری از تعقل را می پیمایند بهره برد.

¹ به این مساله (وجوب کفائی تفقه در دین) در آیه شریفه «نفر» (توبه (9) آیه 122) اشاره شده است. ر.ک: سید محمد حسین طباطبائی، المیران فی تفسیر القرآن، 20، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، 1417 ق، ج 9، ص

3- اهداف مساله

تحقیق حاضر به دنبال دستیابی به اهداف ذیل خواهد بود:

یکم. تبیین مکان و جایگاه تعقل در «دینداری»، به عنوان واقعیتی که در زندگی فردی و اجتماعی افراد متدین ظهور پیدا می کند و در حیات دینی ایشان نقش دارد؛

دوم. استخراج موضع آیات قرآن کریم از طرفی و روایات عامه و خاصه از طرف دیگر و در نتیجه تبیین موضع این دو نظام روایی در خصوص نسبت تعقل و دینداری؛

سوم. مقایسه منطق و گفتمان این دو نظام و نقد و بررسی آن دو و در نهایت قضاوت در خصوص آن؛

چهارم. ارائه الگوی «دینداری خردورزانه» به عنوان راهکار عملی مطلوب برای رسیدن به جامعه دینی آرمانی؛

پنجم. انتقاد از الگوی «دینداری خردگريزانه» و ایجاد چالش در مقابل متدینانی که در این دسته قرار دارند؛

ششم. انتقاد از مبنای عملی گرایش هایی مانند وهابیت و داعش و ... که در حقیقت به «دینداری خردگريزانه» بازگشت می نماید؛

هفتم. خروج عقل از حضور انحصاری در «مباحث انتزاعی» دین در مقام «فهم دین» و وارد ساختن آن در «جریانات ملموس فردی و اجتماعی» در مقام «عمل به دین و تلبس به آن»؛

هشتم. ایجاد گامی هر چند کوچک در مقام تصحیح «دینداری» جوامع مسلمین و در نتیجه معرفی صحیح اسلام از طریق تبیین «دینداری خردورزانه».

4- پیشینه تحقیق

در خصوص تبیین رابطه «عقل» با «فهم دین» کتب و مقالات فراوانی^۱ حتی در بین اندیشمندان غربی^۲ به رشته تحریر درآمده اند. لکن در خصوص جایگاه «تعقل» در «عمل به دین و دینداری» - بر اساس فحص صورت پذیرفته - تحقیقات اندکی انجام شده است. در ادامه به تبیین اجمالی تفاوت این تحقیقات با نوشتار حاضر می پردازیم.

یکم. کتاب «خرد گرائی در قرآن و حدیث»^۳؛ این کتاب به جمع آوری آیات قرآن و روایات فریقین در باب تعقل پرداخته زوایای مختلف این امر را در متون دینی بررسی نموده است. هر چند کتاب مذکور پژوهش حاضر را از مراجعه مستقیم به غالب کتب حدیثی در خصوص تشریح زوایای «تعقل» بی نیاز می کند اما در عین حال ضرورت این پژوهش را به جهت تفاوتی که با آن دارد کم رنگ نمی گرداند زیرا اولاً در این کتاب نظری به تبیین جایگاه «دینداری» نشده است و صرفاً جایگاه «تعقل» تبیین گردیده است؛ ثانیاً به تبع آنچه گفته شد، مقایسه تطبیقی مفصلی بین دو حقیقت «تعقل» و «تدین» در آن صورت پذیرفته است؛ ثالثاً در بررسی آیات و روایات تعقل مسیر اجتهادی و تحلیلی در این کتاب کمتر به چشم می خورد و متقابلاً آنچه بیشتر خود نمائی می کند جمع آوری این متون قرآنی و حدیثی است در حالی که در این تحقیق امر بالعکس است و جمع آوری این متون و ذکر تفصیلی آنها کمتر به چشم خورده، بیشتر تحلیل و بررسی در بین آنها مشاهده می گردد؛ رابعاً هر چند این کتاب جایگاه تعقل را در متون دینی به خوبی تشریح نموده اما در پژوهش حاضر همین امر نیز با تبویبی مستقل و روشی نوین بیان شده است که در فصل دوم به تشریح بیان می گردد.

^۱ برای نمونه می توان از مواردی یاد کرد: (1) عبد الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی و (2) محمد رضا امین زاده ، عقل در نظام دین، اول، قم، انصاری، 1383. (3) علی نظامی، سیمای دین در آینه عقل و نقل، اول، مشهد، آهنگ قلم، 1388 و (4) حسین اعلمی، رابطه منطقی عقل و دین، اول، مشهد، سنبله، ۱۳۷۸، (5) شریفی احمد حسین و یوسفیان حسن، خردورزی و دین باوری، اول، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵ و ...

^۲ برای نمونه ر.ک: (1) ایمانوئل کانت، دین در محدوده عقل تنها، منوچهر صانعی دره بیدی، دوم، تهران، نقش و نگار، ۱۳۸۰ و (2) اتین ژیلسون، عقل و وحی در قرون وسطی، شهرام پازوکی، دوم، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1371 و (3) استیزی درک، علم و عقل و دین، علی حقی، اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ و ...

^۳ محمد محمدی ری شهری و رضا برنجکار و عبدالهادی مسعودی، خرد گرائی در قرآن و حدیث، چهارم، قم، دارلحدیث، 1393.

دوم. پایان نامه «مقایسه تطبیقی جایگاه عقل در روایات فریقین»^۱ بر اساس دسترسی که به فهرست این پایان نامه و صفحات ابتدائی آن وجود داشت می توان نتیجه گرفت که نویسنده در این اثر صرفاً به مقایسه «کمی» روایات تعقل در برخی منابع شیعه با «صحاح سته» اهل سنت پرداخته است. بنابراین بین این اثر و پژوهش حاضر تفاوت‌های چندی وجود دارد از جمله اینکه: اولاً پژوهش حاضر در باب تعقل به مقایسه «کیفی» و محتوایی این منابع می پردازد نه صرف بیان تمایزات کمی این دو؛ ثانیاً پژوهش حاضر نظر به حقیقت «دینداری» نیز دارد به خلاف اثر مذکور که منحصر در «تعقل» تمرکز نموده است؛ ثالثاً در اثر حاضر صرف صحاح سته از منابع روایی اهل سنت - که سهم بسیار ناچیزی در بیان روایت تعقل دارند^۲ - مد نظر قرار نگرفته بلکه سایر کتب روایی ایشان نیز لحاظ شده است.

در هر صورت پژوهش‌های دیگری^۳ که متقارب با اثر حاضر هستند نیز وجود دارند لکن به صورت کلی می توان بین این اثر و آن پژوهش‌ها تفاوت‌هایی را مطرح نمود مبنی بر اینکه: اولاً در آثار موجود عموماً تأکید کمتری روی دینداری و عملکرد متدینین شده است در حالی که در این تحقیق روی این مساله تأکید فراوان می گردد. ثانیاً رویکرد تحقیقات موجود رویکرد تطبیقی نیست و صرفاً به تبیین رابطه بین تعقل و دین داری در قرآن یا روایت شیعه پرداخته شده است و در آنها نظر به روایات اهل سنت نشده در نتیجه قضاوتی منصفانه و معقول بین نظام روایی شیعه و اهل سنت در خصوص مساله مذکور صورت پذیرفته است. ثالثاً غالب این تحقیقات بیشتر بر اهمیت تعقل تأکید دارند و کارکردها، آثار و نقش ملموس آن در تدین افراد را - که با توجه به مباحثی که بیان می شوند مورد اهتمام جدی آیات و روایات است - کمتر تبیین نموده اند در حالی که در این تحقیق بر روی این مهم تأکید می شود. رابعاً چنانچه گذشت نحوه تبویب و روش تنظیم مباحث این تحقیق

^۱ زهره منصوری آبادی، مقایسه تطبیقی جایگاه عقل در روایات فریقین، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، کاشان، علوم انسانی، دانشگاه کاشان، 1390.

^۲ این امر در ادامه در فصل دوم به تفصیل بیان می شود.

^۳ این آثار عبارتند از: 1) ابراهیم میر شاه جعفری، بررسی جایگاه عقل در نظام تربیتی اسلام، دکتری، رشته برنامه ریزی درسی، تهران، دانشگاه تربیت معلم، 1376 و 2) محمد حسین بحرینی، انفکاک تعقل از تدین (ممیزات خوارج از دیدگاه شهید مطهری)، اول، تبریز، هیئت مکتب الشهدای انجمن اسلامی، 1378 و 3) مسعود رستنده، آثار نظری و عملی تفکر و تعقل از دیدگاه قرآن کریم، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، ادبیات و علوم انسانی، رازی، 1380 و 4) محمد اسفندیاری، خمود و جمود؛ تحقیقی درباره تجر فکری و تجر عملی، اول، تهران، باز، 1376.

در مقام بیان تبیین «جایگاه تعقل در متون دینی» روشی نوین است که مشابه آن در آثار موجود دیده نمی شود.

5- سوالات اصلی و فرعی تحقیق

اصلی ترین سوال این تحقیق از این قرار است: «تعقل در دینداری از منظر آیات و روایات عامه و خاصه، چه جایگاهی داشته و چگونه قابل تطبیق است؟»

سوالات فرعی این تحقیق نیز از این قرارند:

یکم. تعقل و خردورزی در متون دینی (آیات و روایات فریقین) چه جایگاهی دارد؟

دوم. تدین و دینداری در متون دینی (آیات و روایات فریقین) از چه مولفه هائی تشکیل شده است؟

سوم. جایگاه «تعقل در دینداری» در متون دینی (آیات و روایات فریقین) چگونه تصویر شده است؟

چهارم. رابطه دیدگاه مکتب تشیع و مکتب اهل سنت در خصوص «جایگاه تعقل در دینداری» چگونه است؟

گفتار دوم: مفاهیم

در این بخش به بررسی مفهومی دو واژه کلیدی «تعقل» و «دینداری» پرداخته می شود. واژگانی که دو رکن اساسی این تحقیق را تشکیل می دهند و سرنوشت این نوشتار در گرو بررسی دقیق معنایی این دو قرار گرفته است.

1- تبیین واژه تعقل

نقطه آغازین تحقیق در خصوص الفاظ وارد شده در آیات و روایات، بررسی معنای لغوی آنها است و الا این احتمال وجود دارد که با برداشت معنای اصطلاحی علوم از برخی از این واژه ها به وادی تفسیر به رای در افتیم. بر همین اساس در باب واژه «عقل» که فراوان در قرآن کریم و روایات فریقین به کار رفته است؛ نباید مستقیماً به اصطلاح علوم مراجعه کرد بلکه لازم است ابتدا معنای لغوی این واژه بررسی گردد. البته در نهایت، بررسی برخی معنای اصطلاحی نیز می تواند مفید واقع شود. بر همین اساس در ادامه ابتدا معنای لغوی این واژه بررسی گردیده، سپس توضیحی اجمالی از کاربرد اصطلاحی آن در برخی از علوم نیز بیان می گردد.

1-1- معنای لغوی عقل

ماده «عقل» طیف گسترده ای از اطلاعات را دربر می گیرد که می توان معنای «حفظ»، «منع» و «امساک و نگهداری»¹ را جامع آنها تصویر نمود.

¹ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، اول، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، 1412 ق، ص 557.

عاقل کسی است که خودش را از هواهای نفسانی حفظ می کند^۱ و عقل قوه ای است که از فرورفتن صاحبش در مهالک جلوگیری می نماید. ^۲عقول دارویی است که باعث امساک بطن می شود^۳ و «عقلت البعیر» زمانی استفاده می شود که شتری محکم برای حفظ و نگهداری بسته شود.^۴ «اعتقل لسانه» در مواردی به کار می رود که شخص زبانش را از گفتن کلامی نگهدارد^۵ و «دیه» را از آن جهت عقل می گویند که به سبب آن خون هدر نرفته و حفظ می شود.^۶

به جهت بهره مندی از این معناست که این ماده به فهم، معرفت، علم، تدبّر، نیروی تشخیص حق از باطل و خیر از شر و ... اطلاق می شود؛ زیرا در تمام این موارد، معنای حفظ و امساک نفس از واقع شدن در «خلاف واقع» لحاظ شده است. بر همین اساس صاحب «التحقیق» اصل واحد در این ماده را اینگونه تشریح می نماید: «اصل واحد در این ماده تشخیص صلاح و فساد در جریان زندگی مادی و معنوی و حفظ نفس و تسلط بر آن است و از لوازم این معنی امساک، تدبّر، حسن فهم، ادراک، بیزاری، شناخت نیازهای زندگی، و التزام به برنامه عدل و حق و تحفظ از هوای نفس و تمایلات است»^۷

2-1- واژه های همسو با عقل

برای دریافت دقیق تر از معنای عقل و نیز تعیین دامنه تحقیق در مباحث پیش رو لازم است برخی از واژه هایی که مناسبت معنایی با عقل دارند مورد بررسی قرار گیرند. در ادامه به تبیین مهمترین آنها پرداخته می شود.

¹ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، 15، سوم، بیروت، دار صادر، 1414 ق، ج 11، ص 458.

² همان.

³ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، اول، بیروت، دارالعلم الملايين، 1407 ق، ج 5، ص 1769.

⁴ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، 8، دوم، قم، انتشارات هجرت، 1410 ق، ج 1، ص 159.

⁵ أحمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، 2، دوم، قم، موسسه دار الهجرة، 1414 ق، ج 2، ص 423.

⁶ ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، اول، قاهره، مکتبه القدسی، 1353 ق، ص 65.

⁷ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، 14، اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368 ش، ج 8، ص

1-2-1- لب

این واژه در لغت به معنای اصل و خالص یک چیز است.¹ به همین جهت به مغز گردو و بادام و نیز سایر خوراکی هایی که صرفاً داخل آنها خورده می شود، لب اطلاق شده است.² لب در انسان به همان معنای عقل استعمال می شود.³ ظاهراً این اطلاق بدین جهت است که اصل و خالص انسانیت انسان به همین قوه ای است که حافظ او از انحرافات است. به دیگر سخن بر قوه عاقله از آن جهت که حافظ نفس است عقل اطلاق شده، از آن جهت که اصل و خالص وجود انسان است لب اطلاق گردیده است.

لازم به ذکر است برخی از لغویین⁴ این واژه را اخص از عقل دانسته و آن را منحصر در «عقل خالص دور از اوهام و خیالات» گردانده اند، در حالی که به نظر می رسد نسبت بین این دو واژه تساوی است چراکه اصل «حفظ و منع و امساک» در صورتی در ماده عقل به صورت حقیقی محقق می شود که رهاورد عقل دور از تخیلات و توهمات بوده، مطابق با واقع باشد و الا اگر تشخیص انسان موجب خروج او از وادی هلاکت نگردد نمی توان چنین امری را حافظ و ممسک نفس محسوب نمود. علاوه بر اینکه بر اساس استعمالات قرآنی و روایی - که در آینده به تفصیل بررسی می گردند - هرگز عقل بر مواردی که اوهام و تخیلات در قضاوت انسان دخیل باشند اطلاق نشده است.

1-2-2- قلب

بسیاری از لغویین واژه قلب را نیز متقارب به عقل محسوب کرده اند.⁵ به گفته ایشان این واژه در لغت در یکی از معانی خود به معنای خالص و شریف یک شیء محسوب می شود.⁶ بنابراین

¹ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 1، ص 729.

² خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 8، ص 316.

³ همان، 317 و أحمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، 2، 547 و ..

⁴ ر، ک: حسن مصطفوی، التحقیق، ج 10، ص 155 و حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ج 1، ص 733.

⁵ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج 1، ص 204 و أحمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج 2، ص 512 و حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ج 1، ص 682 و ...

⁶ أحمد بن فارس، معجم المقاییس اللغه، 6، اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق، ج 5، ص 17.

اگر به عقل نیز اطلاق قلب می شود^۱ از آن جهت است که عقل آدمی شریف ترین حقیقت همراه با اوست.

برخی از لغویین^۲ مراد از قلب را در برخی از موارد استعمال آن «روح» و نفس مجرد انسانی محسوب نموده اند در این صورت عقل یکی از شئون آن محسوب شده اطلاق قلب بر عقل از موارد ذکر سبب و اراده مسبب ارزیابی می گردد.

3-2-1- فکر

اهل لغت «فکر» را نیز نزدیک به ماده عقل می دانند. در نظرگاه ایشان فکر قوه ای است که انسان را به واسطه «عقل» به معلومات می رساند.^۳ فکر کردن در حقیقت همان فعل قلب است مبنی بر تدبر و نظر دقیق برای کشف حقایق.^۴

به نظر می رسد همان طور که عقل یکی از شئون قلب محسوب می شود می توان فکر را نیز به عنوان همان شان قلب محسوب نمود.

4-2-1- تدبر

«دبر» به معنای پشت هر چیز و مخالف «قبل» است؛ بر همین اساس تدبر به معنای عاقبت سنجی و نگاه دقیق و تفکر در انتهای یک امر به کار می رود.^۵ پیوند معنایی این واژه با فکر و تفکر^۶ موجب می شود تا آن را با واژه عقل نیز همسو بدانیم.

^۱ در بسیاری از روایات این امر دیده می شود برای نمونه موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: «يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ يَعْنِي عَقْلٌ» (محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، 8، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1407 ق، ج 1، ص 16)

^۲ ر.ک: حسن مصطفوی، التحقیق، ج 9، ص 304.

^۳ ر.ک: حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ج 1، ص 643.

^۴ ر.ک: أحمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج 2، ص 479 و أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه ج 4، ص 446.

^۵ أحمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج 2، ص 189 و حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ج 1، ص 307.

^۶ ر.ک: محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 273.

برخی تفاوت تدبر و تفکر را در این امر دانسته اند که «تدبر تصرف قلب با نگاه دقیق به عواقب یک امر است در حالی که تفکر تصرف قلب با نگاه دقیق به دلایل یک امر است»^۱ در هر صورت تدبر نیز مانند تفکر از شئون قلب است که به واسطه آن «حفظ و امساک نفس» از وقوع در مهالک محقق می گردد به همین جهت این واژه نیز متقارب با «عقل» ارزیابی می شود.^۲

3-1-1- معنای عقل در اصطلاح فلسفه

عقل در علوم مختلف اصطلاحات متعددی دارد. اندیشمندان بسیاری^۳ به شمارش این اصطلاحات و تبیین معانی آنها پرداخته اند. در این میان به جهت پرهیز از اطاله سخن تنها به تبیین معانی گوناگون این واژه در نزد فلاسفه پرداخته می شود. اصطلاحاتی که در ضمن مباحث آینده نیز ممکن است از آنها بهرمنند شویم.

1-3-1- عقل، مستقل از انسان و یا قوه ای از قوای او

به طور کلی فلاسفه اسلامی برای عقل دو اصطلاح وضع نموده اند^۴ در اصطلاح نخست، عقل به عنوان موجودی مستقل از انسان شناخته می شود. فلاسفه از این عقل در مباحث «الهیات» بحث می نمایند. این موجود اولین مخلوق خدا است و بر تمام مخلوقات دیگر احاطه روحانی داشته^۵ ذاتا و فعلا مجرد است و بدون تعلق به نفس و بدن به صورت مستقل موجود است.^۶ ایشان در مقام اثبات ضرورت وجود چنین موجودی ادله متعددی اقامه می نمایند^۷ و سلسله مترتبی از این

^۱ ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص 67.

^۲ واژه های همسو با «عقل» در موارد پیش گفته منحصر نیست و می توان از واژه های دیگری که در متون دینی متقارب با عقل به کار رفته اند مواردی مانند «نُهیة»، «حجر»، «حجی»، «حلم»، «فهم»، «مُسکَه» و ... را نیز بر شمرد لکن به جهت حفظ اختصار و دور نشدن از غایت تحقیق به آنها پرداخته نشد.

^۳ ر.ک: محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة، 9، سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1402 ق، ج 1، ص 222-228 و محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، 111، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق، ج 1، ص 99-101 و محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، 30، اول، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، 1409 ق، ج 15، ص 208 و ...

^۴ ر.ک: اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا، 4، اول، بیروت، الدار الاسلامیه، 1412 ق، ج 3، ص 232.

^۵ همان.

^۶ ر.ک: شیخ الرئیس ابن سینا، الشفاء (الالهیات)، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، 1404 ق، ص 402 و محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، اول، تهران، موسسه تحقیقات فرهنگی، 1363 ش، ص 137.

^۷ ر.ک: محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة، ج 7، ص 263.

عقول را ضروری می دانند لکن در عین حال در کمیت این عقول اتفاق نظر ندارند تا آنجا که برخی علاوه بر عقول طولی، عقول عرضی را نیز پذیرفته اند.¹

در اصطلاح دوم اما، عقل به عنوان یکی از قوای انسانی مطرح گردیده است. فلاسفه از این عقل در مباحث «علم النفس» بحث می نمایند در این معنا، عقل مستقل از انسان نبوده، بلکه با نفس وی متحد است و یکی از قوا و مراتب آن به شمار می رود.² عقل بشری در مقابل قوه خیال، وهم و حس قرار دارد و قادر به ادراک کلیات است³ و می تواند مسائل نظری را از مقدمات بدیهی و معلوم استنباط کند. در یک اصطلاح این عقل به ملاحظه مدرکاتش دو نوع است: عقل نظری و عقل عملی؛ عقل نظری خود چهار مرتبه دارد: عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد.⁴

2-3-1- عقل عملی و نظری

فلاسفه اسلامی در کاربرد دوم عقل یعنی «عقل به عنوان یکی از قوای نفس انسانی» آن را به عقل نظری و عملی تقسیم می نمایند. این تقسیم و تنويع در حقیقت به سه دیدگاه مختلف باز می گردد:

دیدگاه نخست، تقسیم بر اساس «مدرکات» است؛ طبق این تقسیم اگر قوه عاقله «نظریات کلی» را درک کرد به آن «عقل نظری» گفته می شود و اگر «عملیات کلی» را درک نمود به آن «عقل عملی» اطلاق می شود. ادراک اول مانند «هر کلی بزرگتر از جزء است» و ادراک دوم مانند «هر عدالتی حسن است»⁵

¹ ر.ک: سید محمد حسین طباطبائی، نهایه الحکمه، 4، چهارم، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، 1386 ش، ج 4، ص 1217.

² ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی، المباحث المشرقیه فی علم الالهیات و الطبیعیات، 2، دوم، قم، انتشارات بیدار، 1411 ق، ج 1، ص 366.

³ سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج 1، ص 48.

⁴ سید محمد حسین طباطبائی، نهایه الحکمه، ج 4، ص 969.

⁵ ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 22 (فلسفه اخلاق)، ص 339 و محمد حسین اصفهانی، نهایه الدرایه فی شرح الکفایه، 5، دوم، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1429 ق، ج 2، ص 9.

دیدگاه دوم، تقسیم بر اساس «قوه ادراکیه» است؛ طبق این تقسیم اگر قوه ادراکیه امور کلی را درک نمود اعم از عملیات یا نظریات به آن «عقل نظری» گفته می شود و اگر «جزئیات مربوط به عمل» را درک کرد به آن «عقل عملی» اطلاق می گردد. اولی مانند «هر عدالتی حسن است» و دومی مانند «احسان به این نیازمند حسن است»¹

و در نهایت دیدگاه سوم، تقسیم بر اساس «قوه ای از قوای نفس» است؛ طبق این تقسیم اگر قوه نفسانی وظیفه «مطلق ادراک» را به دوش کشید - اعم از ادراک نظریات و عملیات، کلیات و جزئیات - در این صورت این قوه نفسانی «عقل نظری» است و اگر وظیفه «تحریک و عمل» را متحمل شد این قوه «عقل عملی» است.²

4-1- مراد از عقل در این تحقیق

در انتهای این بخش لازم است مقصود تحقیق پیش رو را از «عقل» بیان نماییم. در این تحقیق معانی «اصطلاحی» عقل مورد اراده نیستند بلکه معنای «لغوی» مد نظر است. علت این رویکرد کاملاً مشخص است زیرا به نظر می رسد دلیلی بر «حقیقت شرعی» در خصوص واژه عقل وجود ندارد در نتیجه لازم است بر اصل «حقیقت لغوی» متعهد بمانیم. به دیگر سخن هر چند در علوم مختلفی - و از جمله فلسفه که اصطلاحات «عقل» در آن گذشت - واژه عقل تطورات معنایی یافته و به اصطلاحاتی نوین «نقل» داده شده است لکن در لسان آیات و روایت دلیلی بر وجود چنین نقلی یافت نمی شود.

بنابراین می توان مراد از عقل و تعقل را در عنوان این تحقیق - با توجه به بررسی های لغوی پیش گفته - اینگونه بیان نمود که «عقل عبارت است از نیرویی در وجود انسان که صلاح را از فساد بازشناسانده، از این طریق موجب امساک و حفظ نفس از شقاوت و هلاکت می گردد.» به همین جهت است که همواره در مباحث پیش رو «عقل» به معنای «تعقل» است و از آن اراده معنای

¹ محمد بن محمد بن حسن الطوسی، شرح الاشارات و التنبیها، 3، اول، قم، نشر البلاغه، 1375 ش، ج 2، ص 352 و محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة، ج 9، ص 82.

² بهمنیار بن المرزبان، التحصیل، دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1375 ش، ص 789 و محمد مهدی التراقی، جامع السعادات، اول، بی جا، مطبعة الزهراء، 1368 ش، ج 1، ص 58.

«حدثی» می شود و برخلاف برخی از استعمالات پیش گفته در اصطلاحات فلسفی از آن به معنای یک «ذات» مستقل از انسان استفاده نمی شود.

2- تبیین واژه دینداری

دومین واژه سرنوشت ساز در نوشتار پیش رو واژه «دین» و دیگر واژه خویشاوند او یعنی «دینداری» است. در این بخش به تبیین و بررسی مراد از این دو واژه پرداخته می شود.

1-2- دین در لغت

در زبان عرب واژه «دین» نیز مانند «عقل» بر طیف گسترده ای از معانی اطلاق می شود البته گستردگی این واژه بیش از عقل است و به لحاظ کمی بر معانی بیشتری اطلاق می شود. برای نمونه «داوری و قضاوت»،^۱ «اطاعت و فرمانبرداری»،^۲ «اجبار و اکراه»،^۳ «خواری و ذلت»،^۴ «عادت»،^۵ «پاداش و جزاء»،^۶ «حساب»،^۷ و «ملت و شریعت»^۸ برخی از این معانی هستند.

¹ محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 166.

² همان، ص 169 و اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج 5، ص 2118.

³ محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، 15، اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1421 ق، ج 14، ص 129 و محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 170.

⁴ همان و الصحاح، ج 5، ص 2118 و محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، 20، اول، بیروت، دار الفکر، 1414 ق، ج 18، ص 216.

⁵ محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 153 و خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 8، ص 73.

⁶ همان و محمد بن حسن ابن درید، جمهره اللغة، اول، بیروت، دار العلم للملایین، 1987 م، ج 2، ص 688 و محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 169.

⁷ محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج 14، ص 128 و محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 169.

⁸ محمد بن حسن ابن درید، جمهره اللغة، 3، اول، بیروت، دار العلم للملایین، 1988 م، ج 2، ص 688 و محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج 8، ص 55.

گسترده گی این معانی تا جایی است که فراهیدی قریب به 5 معنا،¹ ازهری قریب به 7 معنا،² ابن منظور قریب به 12 معنا،³ و حتی برخی از نویسندگان تا بیش از 20 معنا برای آن ذکر نموده اند.⁴

در این میان برخی از لغویون کوشیده اند تا این معانی متعدد را به اصل واحدی بازگردانند؛ برای نمونه راغب اصل واحد در این واژه را «طاعت و جزاء» می داند و استعمال آن در شریعت و دین اسلام را «استعاره» محسوب می کند.⁵ ابن فارس اصل واحد در این واژه را معنای «انقیاد» و «خواری و ذلت» محسوب نموده، می گوشتد استعمالات متعدد آن را به همین اصل باز گرداند.⁶ مصطفوی نیز اصل واحد آن را «خضوع و انقیاد در مقابل برنامه و مقرراتی معین»⁷ محسوب کرده، معانی مثل جزاء، حساب، طاعت، خواری، عادت، مملوکیت و ... را از مصادیق همین اصل - نه معانی در عرض آن - دانسته⁸ برخی معانی دیگر را نیز از لوازم این اصل بر می شمارد.⁹ طبق تحلیل اخیر اطلاق واژه دین بر برخی از معانی مانند مملوکیت و عادت و تعبد و ... از باب ذکر ملزوم و اراده لازم و در حقیقت استعمال مجازی خواهد بود.

به نظر می رسد جمع بندی مصطفوی متین است و شاهد متانت آن انطباق این اصل بر استعمالات قرآنی و روایی واژه دین می باشد که در فصول بعدی این تحقیق به تفصیل تبیین خواهد شد. این در حالی است که اگر کلام ابن فارس پذیرفته شود در تبیین برخی از آیات قرآن و روایات به مشکل بر می خوریم برای نمونه در آیه شریفه «ان الدین عند الله الاسلام»¹⁰ طبق اصلی که وی بیان نموده است نمی توان معنای آیه را تبیین نمود زیرا چنانچه خواهیم گفت در این آیه شریفه

¹ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ص 8، ج 72.

² محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، 15، ج 14، ص 128 به بعد.

³ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 166.

⁴ محمد مهدی تقدیسی، معنا شناسی واژه دین در قرآن کریم، اول، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، 1392 ش، ص 57.

⁵ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ج 1، ص 323.

⁶ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 2، ص 319.

⁷ حسن مصطفوی، التحقیق، ج 3، ص 310.

⁸ همان.

⁹ همان، ص 311.

¹⁰ آل عمران (3) آیه 19.

دین به عنوان «حقیقتی مستقل از انسان و عند الله» مطرح شده است و چنین معنایی نه از مصادیق «خواری و ذلت» است و نه تناسب معنایی و علاقه ای مقبول با آن دارد تا بتوان حداقل دین را در آیه شریفه «استعمال مجازی» محسوب نمود. در حالی که طبق اصلی که مصطفوی بیان نموده است این آیه و نظایر آن نیز با اصل ارتباط یافته و در حقیقت اشاره به بخش دوم این اصل یعنی «برنامه و مقررات معین» خواهند داشت؛ در این صورت تناسب معنایی با اصل محفوظ می ماند و می توان دین در این موارد را دست کم «استعمالی مجازی همراه با قرینه ای مقبول» محسوب کرد.

2-2- تمایز بین دین و دین داری

در استعمالات قرآنی و روایی و در نتیجه در کلام اندیشمندان اسلامی دین دو کاربرد اساسی دارد که توجه به تمایز آن دو در سرنوشت این تحقیق بسیار موثر است. در کاربرد اول دین حقیقتی مستقل از انسان است به گونه ای که بود و نبود انسان در بود و نبود آن دخالتی ندارد.¹ در این کاربرد دین به عنوان «جعل» و «تدوین» از افعال الهی محسوب می شود و هرگز فعل بشر نخواهد بود.² در حقیقت در این معنا دین مرتبه ای از «علم» و «اراده ذاتی» الهی است که از ازل تحقق داشته است به گونه ای که وجود بشر اثری در آن ندارد.

از کلام برخی لغویون چنین معنایی استظهار می شود؛ چنانچه طریحی در تبیین معنای دین در آیه پیش گفته³ و نیز آیه «لکم دینکم و لی دین»⁴ آن را «قراردادی الهی برای صاحبان خرد که اصول و فروع را در برمی گیرد»⁵ می داند. این حقیقت مستقل از آدمی را خداوند متعال برای هدایت بشر تدوین نموده توسط انبیاء ارسال می نماید. بدون شک تدوین آن توسط خدای سبحان ادل دلیل بر «هدایت گری» و «حقانیت» آن خواهد بود. «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق».⁶

¹ ر.ک: علی شیروانی، بررسی تعاریف دین از منظری دیگر، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال 7، شماره 27، زمستان 1390 ش، ص 32.

² عبد الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص 20.

³ آل عمران (3) آیه 19.

⁴ کافرون (109) آیه 6.

⁵ «وضع إلهی لأولی الألباب یتناول الأصول و الفروع» فخر الدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، 6، سوم، تهران، مرتضوی، 1375 ش، ج 6، ص 251.

⁶ توبه (9) آیه 33.

در کاربرد دوم یا همان «دینداری» که برخی از لغویین از آن به «تدین» تعبیر کرده اند؛^۱ دین به عنوان «فعلی از افعال بشر» ارزیابی می گردد.^۲ اینبار انسان است که با پذیرش «دین به معنای اول» و تلبس به آن، محل ظهور و تجلی «دین به معنای دوم» می گردد. در نتیجه این معنا مستقل از انسان نیست بلکه به عنوان یک واقعیت فردی یا اجتماعی وابسته به انسان ظهور می یابد.^۳

دقت در کلام لغویین و معانی که برای دین ذکر نموده اند مجقق را به این نکته رهنمون می سازد که اکثر این معانی در حقیقت «تجلیات دین در وجود آدمی» هستند و نمی توان آنها را مستقل از وجود انسان تصور نمود. معانی مثل «داوری و قضاوت»، «خضوع»، «اطاعت و فرمانبرداری»، «خواری و ذلت»، «عادت» و «ملت و شریعت» همه از همین دست بوده اشاره به نقش موثر «انسان» در تحقق معنای دین دارند.

این حقیقت که «دین وابسته به انسان» یعنی همان تدین یا دینداری در متون دینی کاربرد فراوان دارند مدعایی است که علاوه بر دلالت کلام لغویین به تفصیل در این تحقیق در ضمن بررسی آیات و روایات فریقین تبیین خواهد شد. در نتیجه دیدگاهی که کاربرد دوم را معنایی مربوط به دوران مدرنیته دانسته و محل تولد آن را دنیای غرب می شمارد^۴ و نیز دیدگاهی که غالب کاربرد های واژه دین در زبان عرب را در معنای اول (دین به عنوان حقیقتی مستقل) معرفی می نماید^۵ قابل تامل هستند.

3-2- اطلاقات دینداری

بر اساس آنچه گذشت «دینداری» استقلاللی از انسان نداشته حقیقت آن در وجود آدمی عینیت و تحقق می یابد. این امر دست کم بر سه حوزه متمایز در وجود انسان اطلاق می گردد که در ادامه تبیین می شوند.

^۱ ر.ک: محمود زمخشری، مقدمه الأدب، اول، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، 1386 ش، ج 262 و أحمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص 205 و محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس، ج 18، ص 217.

^۲ ر.ک: عبد الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص 20.

^۳ ر.ک: علی شیروانی، بررسی تعاریف دین از منظری دیگر، ص 33.

^۴ محمد خاتمی، پدیدار شناسی دین، اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1382، ص 208 - 212.

^۵ محمود آذربایجانی و سید مهدی موسوی اصل، در آمدی بر روانشناسی دین، اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1385 ش، ص 8 و 9.

در حوزه نخست، دین یا دینداری بر «اعتقادات» انسانی اطلاق می شود. در این اطلاق دین به مجموعه ای از اعتقادات و تصدیقات درونی نظیر اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان گفته می شود.^۱ دین حتی اگر باطل و ناحق باشد بخشی از آن، «اعتقاد» است.^۲ بدون شک «اعتقاد» که فعل نفس انسان است مقوم این اطلاق از دین خواهد بود به همین جهت و بر اساس همین مقوم، دین در این اطلاق مستقل از نفس انسان نیست از همین روی به آن اطلاق «دینداری» نیز می نماییم. این اطلاق از دین را می توان در آیه شریفه «لا اکراه فی الدین»^۳ ملاحظه نمود چرا که دین از سنخ اعتقاد قلبی و ایمان است و در چنین امری اکراه و اجبار معنا ندارد.^۴

در حوزه دوم، دین یا دینداری بر «احساسات و عواطف» انسانی اطلاق می شوند؛ عواطفی که می توان آنها را در دو سر حد «حب» و «بغض» جای داد. در حدیثی امام باقر علیه السلام می فرمایند: «آیا دین چیزی غیر از محبت است؟ ... دین همان محبت است و محبت همان دین است»^۵ در این کلام شریف حقیقت دین و دینداری به محبت دانسته شده است.

و بالاخره در اطلاق سوم دین یا دینداری بر «رفتارها و خلیات» انسانی اطلاق می شود. برای نمونه در برخی آیات عبادت خدا، اقامه نماز و پرداخت زکات - که همه از افعال انسانی و قائم و وابسته به او هستند - دین استوار و پایدار اطلاق شده است.^۶

^۱ محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، هفدهم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، 1384 ش، ص 11.

^۲ عبد الله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، پنجم، قم، اسراء، 1386 ش، ص 111 و سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 15، ص 7.

^۳ بقره (2) آیه 256.

^۴ ر.ک: سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 243 و ابوعبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی مفاتیح الغیب، 32، سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420 ق، ج 7، ص 15.

^۵ « هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ ... الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ » احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، 2، دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه، 1371 ق، ج 1، ص 263.

^۶ ر.ک: بینه (98) آیه 5 و یوسف (12) آیه 40.

4-2- مراد از دینداری در این تحقیق

به طور کلی در مقام جمع بندی مباحث پیشین می توان سه کاربرد را برای دین و دینداری تصویر نمود؛ در کاربرد نخست دین به عنوان «حقیقتی مستقل» از انسان لحاظ می شود. چنانچه گذشت این کاربرد از دین در حقیقت مرتبه ای از «علم» و «اراده ذاتی» خداوند متعال را مد نظر قرار می دهد.¹ بنابراین در این تحقیق نمی توان این معنا را اراده کرد زیرا عقل انسان هیچ جایگاهی در این مرتبه نداشته و در حوزه «هستی» این کاربرد از دین، هیچ نقشی ایفا نمی کند.

در کاربرد دوم دین به عنوان «فهم انسان» از حقیقت دین لحاظ می شود. این کاربرد دقیقا منطبق بر اطلاق اول از «دینداری» است که در سطور قبلی توضیح آن گذشت در اینجا می توان این نکته را تذکر داد که عقل انسانی هر چند در «هستی» دین (به معنای حقیقت مستقل از انسان) نقش ندارد لکن در «فهم» دین نقش مهمی ایفا می نماید. بنابراین سوال از جایگاه تعقل در دینداری به معنای «فهم دین» سوالی شایسته و بایسته است که در عین اهمیت، مد نظر این تحقیق نبوده، وظیفه پاسخ آن به تحقیقات دیگر واگذار شده است. البته در مقام پاسخ به این سوال کوششهای فراوانی صورت پذیرفته است که در بخش «پیشینه تحقیق» به برخی از آنها اشاره گردید.

و در نهایت در کاربرد سوم دین به عنوان «عواطف و رفتارها و خلیات برخاسته از حقیقت دین» لحاظ می گردد. این کاربرد منطبق بر اطلاق دوم و سوم از «دینداری» و جمع بین آن دو است و دقیقا همان معنایی است که از «دینداری» و «تدین» در تحقیق پیش رو اراده شده است. بنابراین از این پس در مباحث آتی همواره مراد از دینداری «ظهورات و تجلیات حقیقت دین در عواطف و احساسات انسان از طرفی و نیز در رفتارها و خلیات انسان از طرفی دیگر» می باشد.

¹ عبد الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص 24.